

## نقدی بر کتاب

### تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان

علی خزامی‌فر

کتاب «تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان» تحقیق و تألیف دکتر علی میرعمادی دستاورد فرصت مطالعاتی ایشان در دانشگاه ایلینوی آمریکا است. انتشار این کتاب را باید به فال نیک گرفت. زیرا این کتاب در واقع اولین تألیف مستقل فارسی است که منحصرأ به معرفی مباحث نظری ترجمه می‌پردازد.

هدف مؤلف اینست که در سیری تاریخی، آراء و مباحث نظری ترجمه را معرفی کند. محاسن و معایب کتاب نیز در چارچوب این هدف قابل بررسی است. مؤلف در سیر اجمالی خود، خواننده را از فراز کوهی از آراء و عقاید عبور می‌دهد. این سیر از جهتی مفید است. دیدی کلی به خواننده می‌دهد، نقطه شروع و مسیر حرکت و موقعیت کنونی مطالعات نظری ترجمه را برای خواننده روشن می‌کند. طرح کلی مباحث با توجه به هدف کلی کتاب اجتناب ناپذیر است و کار تحقیقی مؤلف ستودنی. اما فایده کتاب به همین محدود می‌شود. طرح اجمالی مباحث، تنوع آنها، فقدان شاهد و مثال و بیان گزارشگونه مباحث بدون ارزیابی و اظهار نظر مؤلف مانع از آن می‌شود که خواننده به عمق مباحث راه یابد. می‌توان امیدوار بود که در آینده، مؤلف که خود صاحب نظر در ترجمه و استاد ارزشمند زبان‌شناسی است، هر يك از مباحث مطروحه در این کتاب بخصوص آراء نظریه پردازان قرن بیستم را به تفصیل معرفی کند تا ارزش کار بردی مطالعات زبان‌شناسی در ترجمه معلوم شود.

کتاب دارای يك مقدمه و هفت فصل است. فصل اول بیان کلیاتی درباره ضرورت ترجمه در جهان معاصر و در ایران است. فصل دوم به " بررسی تاریخ ترجمه و تئوری‌های ارائه شده در این زمینه از قبل از میلاد مسیح تا عصر حاضر " اختصاص دارد. فصل سوم بحثی است درباره ترجمه ماشینی. فصل چهارم به بررسی " مشکلات تئوریک ترجمه " می‌پردازد. فصل پنجم ویژگیهای ترجمه خوب را بیان می‌کند. فصل ششم بحثی است درباره ویژگیهای مترجم خوب. فصل هفتم با عنوان " ترجمه همزمان " تفاوت ترجمه مکتوب و ترجمه همزمان را بررسی می‌کند. کتاب دارای واژه‌نامه و کتابنامه نیز هست.

قبل از آنکه کسی درباره محتوای کتاب اظهار نظر بکند، بدون شك به معایب چاپی کتاب

اشاره خواهد کرد. باعث تأسف است که کتاب اینچنین بی دقت و بی سلیقه چاپ شده است. شتابزدگی یا بی خبری مؤلف یا ناشر از فن چاپ کتاب، علت هر چه باشد، از ارزش کتاب بسیار کاسته است. کتاب فاقد فهرست عناوین است. خط تایپی کتاب در خور کتابی دانشگاهی نیست. عنوان فصلها و عنوان بخشهای کتاب با خط متن تایپ شده است. غلطهای تایپی فراوان است (بجای کتابنامه لفظ بیوگرافی آمده است).

اشکال عمده دیگری که در نظر اول به چشم می آید و به مؤلف مربوط می شود این است که اگر چه کتاب در اصل مجموعه مقاله است و فصلهای مختلف کتاب موضوع واحدی را دنبال نمی کنند، با این حال تناسبی بین طول فصلها وجود ندارد. فصل دوم ۱۳۵ صفحه، و فصل پنجم ۲ صفحه و فصل ششم چهار صفحه است. (اگر کتاب موضوع واحدی را دنبال می کند، آن موضوع ترجمه است که بسیار کلی است. بهتر بود مؤلف عنوان مجموعه مقاله به کتاب می داد.)

عنوان کتاب، «تئوری های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان»، تأمل برانگیز است. کلمه «و» در عنوان، این سؤال را پیش می آورد که آیا کتاب درباره موضوع واحدی است، یعنی بحث بر سر تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان با توجه به تئوریهای ترجمه است. یا اینکه کتاب درباره دو موضوع بحث می کند. در این صورت آیا تفاوت میان ترجمه مکتوب و همزمان - که تنها یکی از مباحث متعدد کتاب است - بحثی از مباحث تئوری ترجمه نیست؟ در واقع ابهام موجود ناشی از ابهامی است که در کاربرد کلمه تئوری وجود دارد. این کلمه در کتاب به دو معنی مختلف بکار رفته و تفکیکی میان این دو معنی ایجاد نشده است. این دو معنی بقرار زیرند:

۱- تئوری به معنی نظریه واحد و منسجمی برای ترجمه انواع متون یا نوعی خاص از متن، نظریه ای که عموماً مبتنی بر تعریف و توصیفی از فرآیند ترجمه است و حاوی دستور العملهایی کلی می باشد. تئوری به این معنی قابل جمع بستن است و عنوان کتاب «تئوری های ترجمه و ...» ناظر بر این معنی تئوری است. تئوری ترجمه ممکن است عام (جامع) باشد - تئوری که انواع متون را در بر می گیرد و هدف درازمدت محققان ترجمه دستیابی به چنین تئوری است - و یا خاص (محدود) باشد - تئوری که در مورد نوع خاصی از متن مثلاً متون علمی و یا جنبه ای خاص از ترجمه مثلاً ترجمه استعاره ارائه شده باشد. کلمه تئوری در کتاب غالباً به این معنی به کار رفته است.

۲- تئوری - منحصرأ در عبارت «تئوری ترجمه» - به معنی مجموعه آراء و عقاید و مباحث نظری ترجمه که در این معنی جمع بسته نمی شود. «تئوری ترجمه» نامی است که برخی از نظریه پردازان ترجمه به حوزه تحقیقاتی مستقل از زبانشناسی که موضوع آن ترجمه است اطلاق می کنند. برای مثال کلمه تئوری در دو جمله متوالی زیر به دو معنی فوق به کار رفته است:

در دوران رنسانس به تئوری ترجمه در سرزمین انگلستان اهمیت چندانی داده نشد. تئوری آشکاری عرضه نگردید. (ص ۷۲)

تفکیک دیگری که می بایست در کتاب صورت بگیرد، تمایزی است که نیومارک (۱۹۸۱)

میان دو دوره زبانشناسی و ما قبل زبانشناسی ترجمه قائل است. در دوره ماقبل زبانشناسی ترجمه، آرای مربوط به ترجمه را عموماً ادبایی بیان کرده‌اند که خود به ترجمه دست زده‌اند و بنا بر ضرورت کارشان درباره این که چگونه باید ترجمه کرد اظهار نظرهایی کلی کرده‌اند، اظهار نظرهایی که اغلب مبنای ذوقی دارد و حول يك محور اصلی دور می‌زند: تقدّم لفظ یا تقدّم معنی. در دوره زبانشناسی ترجمه کلیه عواملی که مستقیم یا غیرمستقیم در ترجمه دخیلند - متن، خواننده، فرهنگ، زبان - بعلاوه ماهیت پدیده ترجمه از دیدگاه زبانشناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مؤلف آرای نظریه پردازان این دو دوره را به دنبال یکدیگر می‌آورد بدون آنکه مرز میان دو نوع اظهار نظر درباره ترجمه که ماهیتی متفاوت دارند روشن شود. از این گذشته، آرای نظریه پردازان دوره ماقبل زبانشناسی ترجمه با تفصیل بسیار آمده است. تعداد صفحات کتاب که به این دوره اختصاص دارد در مقایسه با تعداد صفحات کتاب که به معرفی نظریه پردازان دوره زبانشناسی ترجمه می‌پردازد به نسبت چهار به يك است.

همچنین در بررسی آرای مربوط به دوره زبانشناسی ترجمه از دو مکتب عمده ترجمه که در آلمان شکوفا شد، سخنی به میان نیامده است: مکتب لایپزیک با نظریه پردازانی چون کید، نوپرت، و تچاک، جاگر، هلیگ، روزیکا و رابرت دو بوگراند که رویکردی زبانشناسانه در پیش گرفته‌اند و مکتب دیگری که طرفدار رویکردی ادبی برای ترجمه است و نظریه پردازان عمده آن عبارتند از: لفوور، لامبرت، هرمانز، باسنت مک گوایر و توری.

فصل چهارم با عنوان «مشکلات تئوریک ترجمه» به طرح مباحث عمده زبانشناسی ترجمه می‌پردازد. این فصل با توجه به اهمیتی که دارد بیشتر از سایر فصلها از بیان اجمالی مؤلف آسیب می‌بیند. در این فصل مؤلف وجوه مختلف معنی را تعریف می‌کند و به توضیح مشکلاتی می‌پردازد که به سبب عدم درک وجوه مختلف معنی در ترجمه ایجاد می‌شود. بخشهای مختلف این فصل عبارتند از: مشکلات واژگانی، معنی صریح denotative meaning معنی ضمنی connotative meaning عبارات اصطلاحی و استعاره‌ای، خلائهای معنایی، مشکل اسامی خاص، مشکلات نحوی، روابط دستوری، سبک و فرامعنایی.

فرامعنایی pragmatism یا منظورشناسی بحث نسبتاً جدیدتر و در نتیجه ناشناخته‌تری است. این وجه از معنی در دو دهه اخیر موضوع تحقیقات نظری زبانشناسی بوده است و از آنجا که کلیه مباحث مربوطه به معنی به ترجمه نیز مربوط می‌شود «فرامعنایی» از مباحث نظری «ترجمه شناسی» نیز به شمار می‌آید. با این حال، خواننده ناآشا به این بحث بعید است بتواند از توضیح کتاب تصور درستی از آن پیدا کند. «فرامعنایی» در کتاب چنین تعریف می‌شود:

هر گاه قواعد دستوری و نظم و ترتیب کلمات در جمله مخدوش گردند، عبارات و جملاتی حاصل می‌شوند که از نظر ساختاری ناموزون‌اند. اما وقتی قواعد فرامعنایی نقض گردند، ابهام در معنی ایجاد می‌شود که الزاماً به قطع

ارتباط کلامی خواهد انجامید. در ترجمه متون، مترجم باید از مقوله‌های فرامعنایی غافل نماند. تفاسیر و تعبیری را که فراسوی معانی صوری و ظاهری جملات قرار دارد بازشناسد و در روند کار خود این ویژگیها را ملحوظ نماید. (ص ۱۹۷)

در این پاراگراف، تعریف فرامعنایی ضمن توصیف آن آمده و در واقع تعریف، از پیش دانسته شده فرض شده است. مؤلف در توضیح فرامعنایی مثالهایی از دیوان شمس، قرآن و ادعیه می‌آورد، از جمله ویل للمکذبین (وای بر دروغ پردازان)، و می‌گوید حالت فرامعنایی این جمله بیان فرمانی است به بندگان خدا که هرگز گرد خطا نگردند و خود را به گناه آلوده نسازند. روشن‌ترین بیان مؤلف درباره فرامعنایی دو جمله زیر است:

آیات قرآن کریم و ادعیه‌ای که از ائمه اطهار (ص) بجای مانده مملو از پیامهایی است که در قالب عباراتی بظاهر معمول به کار رفته اما معانی مستفاد شده و رای آن است. به عبارت دیگر، در بعضی موارد، عباراتی که به فرم سؤالی مطرح گردیده، هدف پرسش سؤال و کسب اطلاعات نداشته‌اند. انگیزه اصلی آنها نهی و اخطار بر رفتارهای سوء و عواقب مترتب بر آن است. (ص ۱۹۸)

در معرفی فرامعنایی، مؤلف بیانی زبانشناسانه ندارد و به ویژگیهای کلام discourse از قبیل اعمال گفتاری speech acts - عباراتی که در آنها بین لفظ و منظور گوینده تغایر وجود دارد - معانی از پیش فرض شده عبارات presuppositions و اصول قرار دادی گفتگو conversational implicatures اشاره‌ای نمی‌کند.

فصل دوم کتاب که در واقع بخش اعظم کتاب را تشکیل می‌دهد تحقیقی است ارزشمند در زمینه تاریخ آرای ترجمه. سایر فصول کتاب نیز به نوبه خود حاوی اطلاعاتی مفید برای خواننده است. خواندن کتاب را به تمام علاقه‌مندان به مباحث نظری ترجمه توصیه می‌کنیم.